

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

مجالس عرفانی در ادبیات فارسی

استاد راهنما :

دکتر سید جمال الدین مرتضوی

استاد مشاور :

دکتر علی محمدی آسیابادی

پژوهشگر :

فتح اله عباسی

مهرماه ۱۳۹۰

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج
مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی
از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق
به دانشگاه شهرکرد است.

تقدیم به

تقدیم به روح بلند پدر بزرگوارم که آیینۀ تمام نمای صبر و خلوص بود.

و تقدیم به همسر م:

رفیق شفیق زندگیم، شوق آفرین لحظه های بی شکیبایی، بنم افروز روزهای

پرسوزم. به حرمت آنکه سالها ناسازی و نبود مراد عرصۀ زندگی به شایانی

جبران نمود هو فراتر از کلام، رفتار خردمندانه اش شوق آفرین من در کار و

تحصیل به گاه میان سالی بوده است.

بت مهربان سرایم که :

ایا مهربان سرو پیراسته

زتوگشت این گلشن آراسته

چکیده

یکی از اقسام نثر فارسی نثر خطابه ای است که تعبیر ادبی (Literary expression) به گونه ای هنرمندانه و نظام مند، یکی از اشکال تکامل یافته اقسام سخنوری در جهان اسلام محسوب می گردد.

این شیوه که از قرن دوم در قالب مواعظ زاهدانه آغاز شده بود، در قرن هفتم با بن مایه هایی آمیخته با بلاغت و حکمت به اوج بالندگی رسید؛ ظهور عرفان و تصوف به عنوان تلقی هنرمندانه ای از دین، تغییرات گسترده ای در ساحت سخنوری پدید آورد، به گونه ای که تعلیمات خشک فقها و بیان نا آشنای فلاسفه و متکلمین را اعتبار تازه ای بخشید و با آداب و رسوم خاصی که در تاریخ بدان افزوده شد، تار و زار ما، به شکل مجالس روضه خوانی و سخنرانی باقی مانده است. در این پژوهش نخست از گونه های مختلف سخنوری یاد می گردد و آنگاه ساختار مجلس گویی مورد واکاوی قرار می گیرد و ضمن برشمردن مجلس گویان بزرگ، نمونه هایی از مجالس آنان بیان می شود. در حد امکان به نقد ساختاری این مجالس پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: مجلس گویی، وعظ، خطیب، راوی، فضال، نقیب، مجالس سبعه، مجالس پنجگانه، تفکراشعری،

روضه

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۰	فصل اول
۱۰	۱- کلیات
۱۰	۱-۱-۱ معرفی طرح
۱۱	۱-۱-۲ محتوای فصل
۱۲	۱-۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۲	۱-۱-۴ فرضیات
۱۳	۱-۱-۵ پیشینه
۱۴	۱-۱-۶ روش تحقیق
۱۵	فصل دوم: آفاق سخنوری در جهان اسلام
۱۵	۲-۱-۱ اهمیت سخن در جهان اسلام
۱۶	۲-۱-۲ ۱-۱-۱ خطابه
۱۸	۲-۱-۲ ۲-۱-۱ مضامین خطابه
۱۹	۲-۱-۲ ۳-۱-۱ آداب خطابه
۲۱	۲-۱-۲ ۴-۱-۱ قصاص
۲۳	۲-۱-۲ ۵-۱-۱ امالی (عرض المجالس)
۲۴	۲-۱-۲ ۶-۱-۱ شیوهٔ املاخوانی

۲۴	۷-۱-۲ مذکران وواعظان
۲۶	۸-۱-۲ شکردهای کلامی در مجالس و عظم
۲۷	۹-۱-۲ فصّالان
۲۹	۱۰-۱-۲ طبقه راویان
۳۱	فصل سوم: جایگاه مجلس گویی و وعظ و مقامه در ادب فارسی
۳۱	۱-۳ معانی لغوی مجلس گویی
۳۲	۱-۱-۳ مجلس گویی در ادبیات فارسی
۳۴	۲-۱-۳ مجلس گویی و مقامه نویسی
۳۸	۳-۱-۳ تفاوت های مجلس گویی و مقامه نویسی
۴۱	۴-۱-۳ مجلس و مقامه از نظر گاه محتوایی
۴۲	۵-۱-۳ مضامین مقامات و مجالس
۴۳	۶-۱-۳ تفاوت مجلس گویی و وعظ
۴۶	۷-۱-۳ تشریفات مجلس و عظم، بی تکلفی مجالس عرفانی
۴۷	۸-۱-۳ ادوار رونق مجلس گویی
۴۹	۹-۱-۳ نظامیه ها و رونق مجالس
۵۱	۱۰-۱-۳ تفکرات حاکم بر مجالس
۵۵	۱۱-۱-۳ تفکر اشاعره و مجالس صوفیه
۶۱	فصل چهارم: آداب مجالس
۶۱	۱-۴ اجزای مجلس

- ۶۶ ----- ۲-۱-۴ قداست مجالس از منظر مجلس گویان
- ۶۹ ----- ۳-۱-۴ آداب و رسوم حاکم بر مجالس
- ۷۲ ----- ۴-۱-۴ آداب پرسش در مجالس
- ۷۴ ----- ۵-۱-۴ رسم رقعہ انداختن در مجالس
- ۷۵ ----- ۶-۱-۴ رسم توبہ کردن در مجالس
- ۷۶ ----- ۷-۱-۴ پرتاب عمامہ و لباس در مجالس
- ۷۸ ----- ۸-۱-۴ سنت جمع آوری و جواهرات در مجالس
- 78 ----- ۹-۱-۴ مقریان ، زینت مجالس عرفانی
- 79 ----- ۱۰-۱-۴ معرف در مجالس صوفیانه
- ۷۸ ----- **فصل پنجم: شاخصه های فردی مجلس گو و مستمع**
- ۷۸ ----- ۱-۵ ویژگی های اخلاقی مجلس گو
- ۷۹ ----- ۲-۱-۵ دیدگاه «ابن جماعه» در باب استاد و مجلس گو
- ۸۰ ----- ۳-۱-۵ دیدگاه علامه «قطب الدین شیرازی»
- ۸۲ ----- ۴-۲-۵ ویژگی مستمعین مجالس
- ۸۳ ----- ۴-۳-۵ شرایط پذیرش قول مجلس گو و واعظ
- ۸۵ ----- ۵-۴-۵ مسافرت مجلس گویان
- ۸۶ ----- ۶-۴-۵ مکان های تشکیل مجالس
- ۸۶ ----- ۱-۶-۴-۵ مساجد
- ۸۷ ----- ۲-۶-۴-۵ خانقاه

۸۸	-----	۳-۶-۴-۵ رباط
۸۹	-----	۴-۶-۴-۵ زاویه
۹۰	-----	۵-۶-۴-۵ تکیه
۹۰	-----	۶-۶-۴-۵ دُویره، حظیره
۹۳	-----	فصل ششم: جایگاه مجالس در ادب و عرفان
۹۳	-----	۱-۶ انگاره هایی در باب نثر صوفیانه
۹۵	-----	۱-۱-۶ بهره های عرفانی مجالس
۹۸	-----	۲-۱-۶ زبان مجالس و پیوند آن با سطوح چهارگانه زبان عرفان
۱۰۱	-----	۳-۱-۶ مشکلات زبان مجلس گویان در حیطه لفظ و معنا
۱۰۳	-----	۴-۱-۶ ویژگی های ادبی و زبانی مجالس
۱۰۷	-----	۵-۱-۶ صور خیال در مجالس ادبی
۱۰۹	-----	۷-۱-۶ شعاع نفوذ اسرائیلیان برگستره مجالس عرفانی
۱۱۳	-----	۸-۱-۶ مجالس ادبی در بوتۀ نقد
۱۱۶	-----	فصل هفتم: سیر سخنوری و مجلس گویی از قرن هفتم تا عهد صفوی
۱۱۷	-----	۱-۷ فضائل خوانان و مناقب خوانان
۱۱۹	-----	۱-۷ ملفوظات
۱۱۹	-----	۲-۱-۷ دفتر خوانان
۱۲۰	-----	۳-۱-۷ نقیب و مقام نقابت (نقال باشی)
۱۲۱	-----	۴-۱-۷ مجلس نویسی در دوره تیموریان

- ۱۲۲----- ۷-۱-۵ صفویان شیعی؛ احیاگران روضه
- ۱۲۴----- **فصل هشتم: مجلس گویان نامی و خوشه هایی از خرمن مجالسشان**
- ۱۲۴----- ۸-۱ مجالس نامتعارف شیخ ابوسعید ابوالخیر
- ۱۲۵----- ۸-۲ خواجه عبدا..انصاری مّشرعی عارف مسلک
- ۱۲۷----- ۸-۳ مجالس شورانگیز احمد غزالی
- ۱۲۸----- ۸-۴ شهرستانی متکلم و مجلس گو
- ۱۳۰----- ۸-۵ سلطان العلمای مجلس گو
- ۱۳۲----- ۸-۶ مولانا براریکه سخنوری
- ۱۳۴----- ۸-۷ سهم سعدی در مجالس عرفانی
- ۱۳۶----- ۸-۸ شیخ علاءالدوله سمنانی، آخرین حلقه مجلس گویان
- ۱۳۸----- نتیجه
- ۱۴۰----- منابع و مآخذ
- ۱۴۹----- مقالات

مقدمه

دین اسلام دینی است مبتنی بر ادبیات شفاهی، چرا که حضرت رب العالمین بارها با خطاب «وَذَكَرَ قَانَ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» [امت را پندیده که پند مؤمنان را سودمند افتد. (طور/۵۵)] پیامبر رحمت (ص) را مخاطب ساخته و با چنین باورداشت و ره توشه ای به سوی قبایل عرب روانه اش ساخت؛ عربی که تفاخر، از مظاهر جدایی ناپذیر زندگیش به شمار می رفت و خود را _ حداقل در عرصه گشاده سخن _ قهرمانی بی رقیب می شمرد و «من» خویشان را یگانه عنصر متعالی هستی می دانست و دائم غرق این سودا که همه آفاق دست به دست یکدیگر نهاده تا «من» او را از محتوا تهی سازند و با چنین انگاره هایی روی به کلام منظوم آورده و کلامش از شور و احساس تهی و لبریز از تفاخر و خود خواستن محض می گردد. اما در همه این آشفته بازار لفظ آرای و لفاظی، بارقه های اسلام، شری همیشه فروزان بر این خود خواستن ها و خود بر تربینی در انداخت و با عرضه تجارب نوین دینی از قبایل متکثر عرب، جامعه ای با بنیان های عقیدتی همگرا و همسو پدید آورد و در زلال همیشه جاری رهنمودهای پیامبر (ص)، عرب فخر فروش یکپارچگی را در عین قبیله گرایی آزمود؛ پیامبری که در کسوت مذکری دلسوز و با وحدت قول و عمل، سرمشقی بدیل همه اعصار گردید و از ظرفیت های خاص خطابه و سخنوری به خوبی بهره ها گرفت و پس از وی، ائمه مسلمین هم تأثیر بنیادین سخن را بر ظرف دلها و جان ها آزموده و این آمیزه خوشایند پس از چهارده قرن هنوز در شمار تأثیرگذارترین رسانه در جهان اسلام مقبول همگان می باشد.

واقعیت آن است که آثار منثور جاهلیت بسیار محدود و پراکنده «و در نمونه های بازمانده از سجع کهنان، کلام خطبا و قصص قصاص خلاصه می شود» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۹۱) و تردیدی نیست که اعراب حداقل تا چند قرن بعد از دیگر هنرهای ظریف بی بهره بوده اند؛ این بی نصیبی را در گزارش ناصر خسرو به خوبی می توان دریافت؛ آنجا که وی در توصیف «فُلج» - یکی از بادیه های مکه و طائف - می نویسد: مسجدی بود که مادر آنجا بودیم، اندک رنگ شنجرف و لاجورد بامن بود، بر دیوار آن مسجد بیتی نوشتم و شاخ و برگی در میان آن بردم، ایشان عجب داشتند و همه اهل حصار جمع شدند به تفرج آن آمدند و مرا گفتند که «اگر محراب این مسجد را نقش کنی، صدمن خرمابه تو دهیم» و در ادامه جهت پی بردن به اهمیت این

پیشنهاد می‌افزاید: « وصد من خرما نزدیک ایشان ملکی بود، چه تا من آنجا بودم از عرب، لشکری به آنجا آمد و از ایشان پانصدمن خرما خواست. قبول نکردند و جنگ کردند، ده تن از اهل حصار کشته شد.....» (ناصر خسرو، ۱۳۶۳: ۱۸۱)

از سیاق کلام برمی‌آید که این نقاشی چندان هم استادانه نبوده با این حال توانسته دل‌های مشتاق هنر را براباید. این حکایت مؤید قول پیشین است که سرمایه نام آوری عرب، سخنوری بود و شارع مقدس قطعاً بر همین مبنا، ادبیات شفاهی را ابزار مؤثر تبلیغ معارف دینی قرار داده است؛ از آن رو که هنوز قلم و کتابت جایگاه راستین خویش را نیافته بود، اما به موازات علنی شدن دعوت نبوی، خطابه‌های پرشور دینی، ابزار مؤثر تبلیغ قرار می‌گیرد و بعدها در تمام قلمرو اسلام از مساجد و منا برگرفته تادارالحکومه‌ها محافل و مجالس، کرسی سخن هر روز در کسوت و طرازی نو با هدف اقناع اذهان و ویرانگیختن شوردردل‌ها دایر می‌گردد. شک نیست که نخستین مجالس را بادرون مایه‌های عرفانی - که موضوع این پژوهش است - باید در کلام زهد جست و چونمود، همان زاهدانی که در کلام ابن سینا اینگونه معرفی شده‌اند: «المعرض عن متاع الدنيا وطيباتها يَخُصَّ باسم الزَّاهد» (ابن سینا، ۱۳۶۶: ۱۰۴) شیوه ساده زیستی و اخلاص آنها در امور باعث آمد که کلامشان بر بن جانها بنشیند، چراکه «ایشان خاص بودند و عنایت ایشان به کاردین بزرگ بود، ایشان را «زهد» و «عباد» خواندند» (قشیری، ۱۳۸۸: ۹۹) این ساده زیستی به عنوان یک معیار ارزشی مقبول همگان واقع گردید و تا روزگاری که معاویه خلافت رابه امارت مبدل ساخت (سال ۴۱ ه.ق) همچنان ادامه یافت. در این عهد از «زهداثمانیه» یاد شده است که در «عقدالفرید» اینگونه معرفی شده‌اند: هرم بن حیان (متوفی ۲۶ ه.ق)، اویس بن عامر قمری (متوفی ۳۷ ه.ق)، عامر بن عبد... بن عبد قیس (متوفی قبل از ۶۰ ه.ق)، ربیع بن خثیم (متوفی ۶۲ هجری قمری)، ابومسلم عبدالله بن ثوب الخولانی (متوفی ۶۲ هجری قمری)، مسروق بن أجدع (متوفی ۶۳ هجری قمری)، اسود بن یزید النخعی (متوفی ۷۵ هجری قمری)، حسن بصری (متوفی ۱۱۰ هجری قمری)، (ابن عبدربه، ۱۴۰۲: ۱۲۸/۳) در میان این عده حسن بصری در زمره زاهدانی است که تعلیم و اقوالشان در کنار پرورش شاگردان فراوان بعدها در پیدایش تصوف تأثیرشگرفی نهاد. عمده موضوعاتی که محور سخن زاهدان این دوره قرار گرفته عبارتند از: نکوهش دنیا و دعوت به پرهیز از دنیاگرایی، محاسبه نفس، دعوت انسان به اصلاح نفس و تزکیه خویشتن و سرانجام دعوت به زهد و صدق و

اخلاص ومحبت الهی و توکل و بی توجهی به دوزخ و بهشت و در این راستا تألیفات متعددی هم پدید آمد که عموماً تحت عنوان کتاب «الزهد» شناخته شده اند و «زقدیم ترین آثاری که در این زمینه به صورت مستقل به مارسیده» صحیفه فی الزهد». از امام زین العابدین، علی بن حسین، علیهما السلام (وفات ۹۲ یا ۹۵ ه.ق) است» [دهباشی و میرباقری فرد، ۱۳۸۴: ۶۵] تکوین عرفان به عنوان آیین دگراندیشی دینی، فصلی نو در آیین سخنوری گشود و با این نگرش نو، آثار جاودانه ای در ساحت سخنوری پدید آمد. به تعبیر دیگر می توان مجالس عرفانی را حلقه تکامل بخش دیگرگونه های سخنوری نظیر: خطابه و وعظ، شیوه قصاص و طریقه فراموش شده فصلان دانست. این شیوه های متعدد که بعضاً تحت تأثیر شرایط تاریخی و اجتماعی شکل گرفته اند، و هر کدام در مقطعی از تاریخ سخنوری پایائی و رونق داشته و گاه مرز بندی آنها چنان به هم نزدیک است که تمیز و تشخیصشان بسیار دشوار می نماید.

با این حال به مدد الطاف حق و خاصان حق در این پژوهش برآنیم تا نخست، گونه های مختلف سخنوری را از آغاز تا عصر صفوی و اکاوی نموده، ضمن برشمردن ویژگی های هر نوع، دلایل رونق و منسوخ شدن آنها را در ظرف زمانی قرن های دوم تا دهم هجری مورد بررسی قرار دهیم.

طبیعی است که محور مباحث «مجلس گویی در ادبیات فارسی» است، چراکه این نوع ادبی (Genre) مورد عنایت بزرگانی چون: احمدغزالی و مولانا و سعدی بوده و با همین عنوان تألیفات مستقلی پدید آمده است.

فصل اول

۱-۱ کلیات

محور اصلی مباحث «مجلس گویی در ادبیات فارسی» عوامل شکل‌گیری، نقطهٔ اوج و مجلس‌گویان بنام در ادبیات فارسی است.

۱-۱-۱ معرفی طرح :

در میراث مکتوب ادب فارسی به گونه‌ای از نوشتار به نام «مجلس‌گویی» برمی‌خوریم که در این زمینه هم متکلمین و فلاسفه‌ای چون عبدالکریم شهرستانی (۴۶۷-۵۴۸ ه.ق) و هم عارفان بلندآوازه‌ای چون بهاء‌ولد (متوفی ۶۲۸ ه.ق) و مولانا (۶۰۴-۶۷۲ ه.ق) و هم استاد سخن سعدی (۶۰۶-۶۹۱ ه.ق) دارای تألیف مستقلی هستند از این رومی توان از مجلس‌گویی تحت عنوان نوع ادبی خاص فارسی (Persian Types) از آن یاد نمود.

این نوع ادبی را که با اندکی توسعه معنی و تسامح در لفظ، می‌توان با مقامه در زبان عربی برابر نهاد، در شمار نثرهای خطابی فارسی محسوب می‌گردد. با ذکر این نکته که این برابری تنها از جهت لفظ و پاره‌ای مشترکات موضوعی است و گرنه در نحوهٔ ایراد معانی و سبک پردازش، تفاوت‌های بنیادینی دارند؛ چرا که یکی (مقامه) مربوط به نخستین تلاش‌های نویسندگان متکلف صنعت پرداز، در جهت آفرینش گونه‌ای نثر یکپارچه سجع‌آمیز است و دیگری مربوط به دوران تکامل نثر فنی و مستجع است و این فاصله در طی حداقل دوقرن، با تفاوت‌های آشکاری که در ساحت لفظی و معنی آن دو نوع به وجود آمده بود، در قلمرو

ادبیات تطبیقی قابل بررسی است. همچنانکه لحن خطابی توأم با شعر و تمثیل مجلس گویی، آن را در میان دیگر انواع نثر متمایز می سازد.

بنابراین در شکل شناسی این نوع ادبی می توان آن را نوعی سخنرانی مکتوب و مدّون به شمار آورد که فراتر از سجع پردازی و صنایع لفظی، جلوه هایی از ادبیات تعلیمی را نیز شامل می شود.

این نوع ادبی که باگونه ای هنری، شکل تکامل یافته اقسام سخنوری در جهان اسلام محسوب می گردد؛ با ظهور و تثبیت مبانی عرفان، که به قولی «تلقى هنری از الهیات» و یا «برخورد هنری بامذهب» بود (شفیعی کدکنی ۱۳۷۴: ۴۴۷) به گونه ای نو آیین، تعلیمات خشک فقها و محدثان و فلاسفه را دگرگون ساخت و به زودی جایگیر دلها گردید و با جامعیت و اخلاصی که در مجلس گو وجود داشته، گاه موجب توبه کردن جمع کثیری از مستمعین می شد و فراتر از آن گاه شنوندگان، از شدت اشتیاق و تأثیر اعجاز آمیز لفظ و معنی از سوی مجلس گویان بردلدارمی بردند. بنابراین چنین جریان دامنه دار پرتأثیری شایسته تحقیق و تدقیق است. برای نیل بدین مقصود، ابتدا اشکال مختلف سخنوری را در جهان اسلام بررسی نموده و در ادامه به نحو اختصاصی شیوهی مجلس گویی را مورد واکاوی قرار می دهیم، نحوه ایراد مجلس، شرایط حاکم بر مجلس، مضامین ایراد شده در مجلس، مجلس گویان بنام و نمونه ای از آثار به جا مانده از آنان و سرانجام صورخیال در مجالس مکتوب از مواردی است که به توفیق حضرت حق بدان ها می پردازیم و طبیعتاً در خلال مباحث، تفاوت و شاخصه های اصلی این طرز گویندگی با انواع دیگر آشکار می گردد.

۱-۱-۲ محتوای فصول

این پژوهش مبتنی بر هشت فصل کلی و بنیادین است، در فصل اول کلیات و محتوای فصول، ضرورت تحقیق، فرضیات و پیشینه و روش های تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم دربرگیرنده انواع و اطوار گویندگی در جهان اسلام و فرازو فرود هر کدام در مقاطع مختلف تاریخی خواهد بود؛ در فصل سوم به بررسی جایگاه مجلس گویی و به موازات آن مقامه نویسی و وعظ پرداخته خواهد شد. فصل چهارم اختصاص به آداب مجلس گویی دارد. و در فصل پنجم به شاخصه های فردی مجلس گو و مستمع و

مکان های تشکیل مجالس پرداخته می شود. در فصل ششم مجالس در آیینۀ ادب و عرفان بررسی می شود. پیوند زبان مجالس بازبان عرفا و تنگناهای خاصّ زبان مجالس ازبخش های فرعی این فصل خواهد بود. در فصل هفتم سیرسخنوری از قرن هفتم تا روزگارصفویّه و شکل های بازمانده از سخنوری مورد بررسی قرار می گیرد، فصل هشتم نیز به شیوه مجلس گویان تا روزگار صفویّه و شکل های بازمانده از سخنوری مورد واکاوی قرار می گیرد، فصل هشتم نیز به مجلس گویان بزرگ و نمونه هایی از آثار آنان اختصاص یافته است.

۱-۳ اهمیت و ضرورت تحقیق

با آنکه اصطلاح مجلس گویی در ادبیات فارسی حداقل بر بخشی از آثار سعدی و اختصاصاً مولانا اطلاق می گردد، اما تاکنون در این زمینه تحقیق مستقلی صورت نگرفته و به عنوان نوع ادبی خاصی بررسی نشده است. اهمیت ویژه این طرز گویندگی و سخنوری از آن روست که مورد اقبال بزرگان ادب فارسی قرار گرفته و دارای چنان ابعادی است که آداب و تشریفات آن بعضاً با اعجاب فراوان به وسیله سفرنامه نویسان اعصار مختلف بیان گردیده است؛ در حالی که به جرأت می توان مدعی گردید که بسیاری از اهل ادب تنها نامی از این گونه خاصّ شنیده اند.

۱-۴ فرضیات

طبیعتاً این پژوهش محصول طرح فرضیاتی است که زمینه ساز تحقیق در زوایای مختلف مجلس گویی گردید از جمله :

(الف) : مجلس گویا دامۀ سیر طبیعی سخنوری در جهان اسلام است .

(ب) : مجلس گویی با مناسبات اجتماعی و شرایط سیاسی حاکم بر جامعه مرتبط بوده است .

(ج) : ظهور و تثبیت تصّوف و عرفان در شکل گیری و تکامل مجلس گویی نقش اساسی داشته است. و مجالس عرفانی نوعاً تأثیر عمیقی بر روابط فرق و در مجموع تألیف قلوب برجای نهاده است.

(د) : قرن هفتم نقطه اوج مجلس گویی محسوب می گردد.

ر) : مجلس گویی از معدود آیینی است که در میان فرق مختلف مسلمانان پذیرفته شده است و به شکل‌های مختلف اجرا می‌گردد.

س) : در ایران، ظهور صفویه، شکل و شمایل تازه‌ای به مجلس گویی بخشید و در کسوت جدید، تاکنون با قوت تمام ادامه دارد

۱-۱-۵ پیشینه تحقیق

چنانکه پیش تر اشاره گردید، درزمینه «مجلس گویی» تاکنون اثر مستقلی چاپ نشده، شاید از آن روکه قدما آن را دقیقاً "معادل مقامه نویسی در ادبیات عرب و به تبع آن در ادبیات فارسی در نظر می‌گرفتند؛ با این حال کارهایی را که در این زمینه انجام شده می‌توان به چهار قسمت تقسیم نمود:

الف) : کتابهای تحقیقی و مراجع ادبی که به طور کلی مباحثی را در این زمینه مطرح کرده اند مثل: گنجینه سخن دکتر ذبیح ا... (صفا ج اول)، فن نثر در ادب پارسی دکتر حسین خطیبی، انواع نثر فارسی دکتر منصور رستگار فسایی. و کتاب مقامه نویسی در ادب فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، فارس ابراهیمی و آیین سخنوری از محمدعلی فروغی و کتاب صناعت خطابه یا آیین سخنوری از سلطان محمدی طالقانی و آیین سخنوری و نگرشی بر تاریخ آن از علی اکبر ضیایی.

ب) : مقدمه کتاب هایی در موضوع مجلس گویی مثل : مقدمه «معارف» بهاء‌الدیامجالس سلطان العلماء به کوشش استاد بدیع الزمان فروزانفر، وعظ غزالی در مقدمه کتاب «مجموعه آثار فارسی احمد غزالی» به کوشش احمد مجاهد، مقدمه مجلس مکتوب عبدالکریم شهرستانی به کوشش دکتر محمد رضا جلالی نائینی، مقدمه مجالس سبعه به کوشش دکتر توفیق . ه . سبحانی، مقدمه کتاب «اسطرلاب حق» گزیده «فیه مافیه» مولانا، به کوشش دکتر محمدعلی موحدو...

ج) : مقالاتی که در این زمینه منتشر شده اند و تا حدود زیادی با این موضوع مرتبطند: «دستور زبان عرفان و عرفان دستور زبان» دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، مندرج در نامه شهیدی (جشن نامه دکتر

جعفر شهیدی)، مقاله «خطابه در عصر اموی و عباسی»، علی اکبر ضیائی مندرج در کیهان اندیشه، مقاله «خطیب در غیبت مخاطب» سیاوش حق جو، مندرج در مجموعه مقالات طوبی به کوشش زین العابدین درگاهی، مقاله «مقامه نویسی در ادبیات فارسی»، احمد فارس، مجله وحید، مقاله «چهل مجلس» یا رساله اقبالیه از نجیب، مایل هروی مندرج در مجموعه مقالات «سایه به سایه».

(د) : به زبان های دیگر: کتاب «المقامه» الدكتور شوقی ضیف و همچنین کتاب «العصر الجاهلی» او که تحت عنوان تاریخ ادبی عرب به وسیله علی رضا ذکاوتی قراگزلو ترجمه شده است، و کتاب «بدیع الزمان الهمذانی» رائد القصة العربیه و مقاله الصحیفیه «الدكتور مصطفى الشکعه» در این زمان یادکردنی هستند.

۱-۱-۶ روش تحقیق

این پژوهش مبتنی بر منابع مکتوب کتابخانه ای است که باروش اسنادی و توصیفی جمع آوری گردیده است، بدین ترتیب که پس از تأیید و قطعیت موضوع، آن را به سرفصل های ریزتر تقسیم بندی نموده و امهات کتبی که در این زمینه به حلیه نگارش و طبع آراسته گشته اند، شناسایی، آنگاه با مطالعه دقیق، نقل قول های معتبر و قابل استناد فراهم گردید، سپس طبقه بندی داده ها انجام پذیرفت و پس از تجزیه و تحلیل داده ها، یافته های محقق با نظر استاد محترم راهنما و مشاور پایان نامه به شکل کنونی مدون گردید.

فصل دوم

آفاق سخنوری در جهان اسلام

۱-۲ اهمیت سخن در جهان اسلام

قرآن مجید در اوج دعاوی سخنوری اعراب با خطاب «وَمَا عَلَّمَنَا الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ» (یس/۶۹) دامن پیامبر اکرم(ص) و ساحت قرآن مجید را از لفاظی شاعرانه برکنار دانست، چرا که در محیط بی رونق و تهی دست عربستان، شعر عرب جاهلی یگانه کالای بازار ادب به شمار می رفت و تمام شرف قبیله ای در انتقام جویی خلاصه می شد و آنگاه که شاعری عارفانه ای گذرا معشوق را به ستایش می نشست، توضیحاتش در ابتدایی ترین صفات معشوق منحصر می ماند و هجاء - که در حقیقت اطلاق واژه فرانسوی Imprecation و Insulte Poetique (نفرین و ناسزای شاعرانه) مناسب تر از کلمه Satire انگلیسی بر آن منطبق است- واقعیت گریز ناپذیر زندگی شاعران محسوب می شد. در آیین نو ظهور اسلام این مضامین که روح شاعری در آنها خلاصه می شد، نمی توانست جایگاهی را برای شاعر در مناسبات اجتماعی تعریف نماید، از این رو اسلام قرآن و شخص پیامبر(ص) را از تهمت شاعری مبرا دانست و اینها خود مقدمه ای شد که: «هم به جهت ذم قرآنی و هم از این رو که مسلمانان برای بیان فتوحات و غزوات و در نتیجه گردآوری احزاب به بیانی شورانگیز نیازمند بودند، لذا خطابه و مجلس گویی بلندپایه گردید» (جرجی زیدان ۱۹۸۳: ۱۸۷) و شاعران هم به ناچار تن به تعالیم اسلامی سپرده و مقبول مؤمنین گردیدند، چنانکه پیامبر(ص) «کعب بن زهیر» را با قصیده معروف مدحیه «بانت سعاد»ش به حضور پذیرفت و «حسان بن